

## چگونگی انتصاب وکیلان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف \*

رؤیا باقری<sup>۱</sup>

مجید احمدی کجایی<sup>۲</sup>

### چکیده

دوران غیبت صغری از برهه‌های مهم تاریخ اسلام است که بنا به دلایلی امکان دسترسی به امام معصوم برای شیعیان وجود نداشت و از طریق وکیلانی که تعیین می‌شد امور آنان ساماندهی می‌شد. چگونگی انتصاب این وکیلان و مهم‌ترین ملاک‌های حاکم بر این انتصاب‌ها موضوع نوشتار پیش رو است. ضرورت بحث از این موضوع زمانی روشن می‌شود که بدانیم شرایط سیاسی اجتماعی جامعه اسلامی در این دوران برای شیعیان بسیار سخت بوده و دستگاه حاکمه و وابستگان آن به شدت تلاش داشتند تا نیروهای شیعی را تجزیه و پراکنده نموده و از ارتباط آنان با یکدیگر و از طرفی ارتباط آنان را با رهبران شان قطع یا محدود نمایند. انتصاب‌ها به فرمان مستقیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و معرفی وکیل جدید به وسیله وکیل خاص حضرت صورت می‌گرفت. انتصاب‌ها مخفیانه و بیشتر اوقات در قالب توقیعاتی بود که صادر می‌گشت. زمینه‌سازی‌هایی در این جهت لازم بود. اقدام به نصب وکیلان قبل از درگذشت وکیل سابق، خبر دادن از مرگ وکیل سابق، اطلاع‌رسانی به دیگر وکیلان و بزرگان مناطق، مدح و تمجیدهایی که صادر می‌شد، از جمله مقدمات امر انتصاب بود. مهم‌ترین ملاک‌ها در انتصاب، رازداری و حفظ اسرار، مقام علمی و معرفتی و آگاهی‌های غیبی بود که از طریق امام بدانها داده می‌شد. در برخی موارد بعید بودن احتمال وکالت شخص مورد نظر، ملاک قرار می‌گرفت. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است و گزارش‌های تاریخی توصیف شده و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

### واژگان کلیدی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سازمان وکالت، وکیلان ارشد، عثمان بن سعید عمری، نوبختی، توقیع.

\* تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۳۰

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ اهل بیت مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) (taherebaqeri@gmail.com).

۲. استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (M.ahmadi.isca.ac.ir).

از دوران امام صادق علیه السلام ضرورت به وجود آمدن سازمانی برای حفظ ارتباط میان شیعیان در سراسر جهان اسلام و جلوگیری از تجزیه نیروهای شیعه احساس شد. در دوران امام جواد علیه السلام این سازمان رسماً کار خود را شروع نمود. پراکندگی مناطق شیعه نشین از یکسو، فشار سیاسی حاکمان بر امامان شیعه و پیروان آنان خصوصاً در دوران امامان آخر و در نهایت شروع دوران غیبت صغری، اهمیت این تشکیلات را دو چندان نمود. به گونه‌ای که در این دوران چهار وکیل یکی پس از دیگری با شروع کار خود، حلقه اتصال و رابط میان امام و شیعیان بودند. شرایط سیاسی از دوران امام هادی علیه السلام بسیار شد و با نزدیکی به دوران غیبت این سختگیری‌ها افزایش یافت. به طوری که همزمان با شروع دوران غیبت صغری ارتباط امام عصر علیه السلام با مردم فقط از طریق وکیلان خاص حضرت انجام می‌شد. در طول دوران غیبت صغری چهار وکیل خاص یکی بعد از دیگری رابط میان امام و دیگر وکیلان و مردم بودند. هر یک از این چهار وکیل، در دوران خود از طریق وکیلان ارشد و وکیلان فرعی سازمان وکالت را اداره می‌کردند. در راس این سازمان شخص امام قرار داشت. با توجه به مخفی بودن این سازمان و تلاش بسیاری که از طرف حاکمان سیاسی معاصر امامان برای شناسایی این سازمان و نیروهای آن انجام می‌شد، چگونگی انتصاب چهار نایب خاص امام زمان علیه السلام و دیگر وکیلان قابل توجه است. نوشتار پیش رو درصدد پاسخ به این سوال است که انتصاب وکیلان امام زمان علیه السلام در دوران غیبت صغری چگونه انجام می‌گرفته است؟ در ضمن بررسی نحوه این انتصاب‌ها، به مهم‌ترین ملاک‌های حاکم بر این انتخاب‌ها نیز دست می‌یابیم.

از آن جا که محدوده این نوشتار دوران غیبت صغری است، گزارش‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرد که اختصاص به دوران چهار سفیر امام زمان علیه السلام (عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، محمد سمري) (طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ۴۷۷) و برخی وکیلان فرعی ارشد دارد. هم‌چنین از باب مقدمه، برخی گزارش‌های دوران امام عسکری علیه السلام نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. ساختار بحث براساس نحوه انتصاب چهار وکیل خاص امام زمان علیه السلام و دیگر وکیلان فرعی و هم‌چنین زمینه‌سازی‌هایی که در جهت این انتصاب‌ها صورت می‌گرفت، قرار داده شده است.

در بررسی انجام گرفته پیشینه‌ای با همین عنوان یافت نشد. اما برخی از کتاب‌ها را می‌توان به عنوان پیشینه عام برای این نوشتار قرارداد که از جمله: کتاب *سازمان وکالت و نقش آن در دوران ائمه علیهم السلام* نوشته دکتر محمدرضا جباری در دو جلد که در لابه‌لای گزارش‌های ارائه شده در

این کتاب می‌توان به برخی از مباحث مرتبط با این نوشتار دست یافت. کتاب *تاریخ الغیبه* نوشته سیدمحمد صدر از دیگر منابعی است که می‌تواند به عنوان پیشینه این نوشتار مطرح شود گرچه در مقایسه با کتاب سازمان وکالت گزارش‌های مربوط به عنوان این مقاله را کمتر می‌توان در آن مشاهده کرد. *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم* نوشته جاسم حسین از دیگر منابع مهم دوران غیبت صغری است که می‌توان آن را نیز در شمار منابع مورد بحث قرار داد. نکته مهم این‌که در هیچ یک از این کتاب‌ها گزارش‌ها با چنین زاویه‌ای مورد نظر قرار نگرفته و به طور خاص موضوع مورد نظر در این نوشتار را محور قرار نداده‌اند.

### چگونگی انتصاب چهار وکیل خاص امام عصر علیه السلام

آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت به طور جدی در دوران امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام دنبال شد. براساس مبانی اعتقادی شیعه، انتصاب امام از ناحیه خداوند است. انتخاب امامان دوازده‌گانه شیعه از حضرت علی علیه السلام تا امام دوازدهم، براساس انتخاب مردم و یا پیروان آنان صورت نگرفت و اساسی‌ترین اختلاف شیعه با دیگر مذاهب اسلامی در بحث امامت حول همین محور است. در رابطه با چگونگی انتصاب سفیران امام زمان علیه السلام نیز همین مبنا نص مورد نظر بوده است. به همین جهت انتخاب و معرفی اینان به دستور مستقیم امام زمان علیه السلام و یا پدرشان بوده است. شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که بیانگر این ادعاست.

عثمان بن سعید عمری از دوران امام هادی علیه السلام در بین شیعیان جایگاه قابل توجهی داشت. در دوران امام هادی علیه السلام به دلیل حساسیت بیش از حد حاکمان سیاسی و تحت نظر بودن ایشان، عثمان به وسیله امام به شیعیان معرفی و بر جایگاه خاص او با این توصیف تأکید شده بود:

وی دستیار و مورد اعتماد من و مردی شریف است و آنچه می‌دهد از ناحیه ما است (طوسی، ۱۴۱: ۳۵۴).

امر معرفی و انتصاب سفیر اول و دوم در دوران امام عسکری علیه السلام انجام شد. گزارش‌ها بیانگر آن است که عثمان در سال‌های آخر امامت امام هادی علیه السلام رهبری سازمان را در دست داشته است. (طبرسی، بی تا: ج ۲، ۴۷۷) با شروع امامت امام عسکری علیه السلام وی در جایگاه خود ابقا شد. گفته شده امام عسکری علیه السلام تنها به افراد خاصی از شیعیان وکالت عثمان را اعلام کرده بود. در توقیعی که امام خطاب به «اسحاق بن اسماعیل نیشابوری» صادر کرد، وی مأمور شده بود قبل

از ترك سامرا، حتماً با «عمری» ملاقات کند تا شناسایی بین او و «عمری» حاصل شود! در ادامه توقیع آمده بود:

هر آنچه از نواحی مختلف برای ما فرستاده می شود، سرانجام به دست عمری می رسد تا او به ما برساند (کشی، ۱۳۴۸: ۵۸۰).

بنا به نقل شیخ طوسی، هنگامی که گروهی از شیعیان یمن به سامرا آمدند تا با امام عسکری علیه السلام دیدار کنند و وجوه شرعی و اموالی را که به همراه آورده بودند را تحویل دهند، حضرت عثمان بن سعید را فرا خوانده او را مأمور کرد اموالی را که یمنی ها آورده اند تحویل بگیرد. امام او را با عنوان «وکیل و مورد اعتماد در اموال الهی» خطاب کرد. سپس آنان را شاهد گرفت که عثمان بن سعید عمری، وکیل ایشان و پسرش، محمد، نیز وکیل فرزندش، مهدی است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۶) این گزارش به خوبی بیانگر زمینه سازی امام عسکری علیه السلام و تبیین جایگاه عمری است. در همین جلسه بود که امام از وکالت فرزند عثمان در آینده خبر داده و فرمود:

پسرش محمد نیز وکیل فرزندم مهدی علیه السلام است (همان: ۳۵۶).

در گزارشی دیگر امام عسکری علیه السلام جانشین خود را به چهل نفر از شیعیانش نشان داد و خبر از شروع دوران غیبت صغری و عدم رویت فرزندش داد. در این جلسه امام دوباره بر سفارت عثمان بن سعید عمری تأکید کرده از آنان خواست در طول این دوران از او اطاعت کنند. (همان: ۳۵۷) شیخ طوسی در گزارش خود خبر از برگزاری مراسم تکفین و تدفین امام توسط عثمان خبر داده است. شیعیان این امور را علامتی قطعی بر سفارت و نوعی اطلاع رسانی بر انتصاب می دانند.

شیخ طوسی تصریح دارد که انتصاب سفیر دوم، محمد بن عثمان با نص امام عسکری علیه السلام و نص سفیر اول به دستور امام زمان علیه السلام بود. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۷) سفیر اول قبل از مرگ از طرف امام مهدی علیه السلام مأمور شد مقام سفارت را به فرزندش محمد تفویض کند. هم چنین بعد از مرگ سفیر اول توقیع امام زمان علیه السلام خطاب به فرزند وی صادر شد که در آن علاوه بر عرض تسلیت مرگ پدرش، مقام و جایگاه او به فرزندش اعطاء شده بود.<sup>۱</sup>

۱. در قسمتی از این توقیع آمده بود: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ - تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضًا بِقَضَائِهِ عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَ مَاتَ حَمِيدًا فَرَحَمَهُ اللَّهُ... مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا مِثْلَكَ يَخْلُفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ...؛** همانا ما برای خدائیم و به سوی او بر خواهیم گشت، به امر او تسلیم و به قضا و قدر او راضی هستیم. پدر تو با سعادت و نیکبختی زندگی کرد و در حالی که پسندیده و مورد ستایش بود از دنیا رفت، پس خداوند او را رحمت کند... کمال سعادت او این بوده است که

علاوه بر این که امام انتصاب وکیلان را به خودشان اعلام می‌کرد. دستورالعمل‌هایی نیز خطاب به دیگر وکیلان یا مردم می‌داد و در آن فرد مورد نظر را مأمور به اطاعت از وکیل انتخابی خود می‌کرد. هنگامی که نایب دوم (محمد بن عثمان) به جای پدرش در جایگاه وی قرار گرفت نماینده امام در اهواز هم چنان در دست محمد بن ابراهیم مهزیار بود. وی فرمانی از امام دریافت کرد که او را به اطاعت از رهنمودهای سفیر دوم، محمد بن عثمان فرا خوانده بود (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۵).

در دوران سفیر اول، عثمان بن سعید عمری، امور سازمان به وسیله سه دستیار وی در بغداد سر و سامان می‌گرفت به طوری که دیگر نواحی شیعه‌نشین زیر نظر آنان اداره می‌شد. اینان در حکم معاونان یا وکیلان ارشد یا سروکیل انجام وظیفه می‌کردند. با روی کار آمدن سفیر دوم، محمد بن عثمان، تعداد این وکیلان افزایش یافت. به طوری که حدود ده تن از خواص شیعیان، زیر نظر «ابوجعفر عمری» در بغداد به اجرای امور پرداختند. (همان: ۳۶۹) این ده تن از جهت مقام و موقعیت‌های اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی با هم تفاوت داشتند. اینان همان کسانی‌اند که در لحظات پایانی عمر سفیر دوم (محمد بن عثمان)، بر بالین او حاضر شده و در مورد جانشین و سفیر بعدی از او سؤال کردند و وی آنها را به حسین بن روح نوبختی ارجاع داد. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۱) عباراتی که در متن این گزارش آمده بیانگر نکات مهمی در انتصاب‌هاست:

هذا أبو القاسم الحسين بن روح بن أبي جحر النوبختي القائم مقامی والسفير بينكم وبين صاحب الأمر والوكيل له والثقة الأمين فارجعوا إليه في أموركم وعلووا عليه في مهماتكم فبذلك أمرت وقد بلغت... (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۱).

- حسین بن روح قائم مقام من است و سفیر و وکیل میان شما و امام زمان عجلت است.

- ثقة و امین است.

- در کارهای خودبه او رجوع کرده و در امور مهم بر او اعتماد کنید.

- انتصاب حسین بن روح به فرمان امام عصر عجلت است و حضرت مرا بدین کار امر کرده است.

- من فرمان او را انجام داده و به شما ابلاغ نمودم.

---

خداوند فرزندی هم چون تو به او عنایت و روزی فرموده که پس از او جانشین و قائم مقام او در امرش (سفرات از امام زمان عجلت) باشد... (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۷).

این مسئله که انتصاب وکیلان به دستور امام زمان علیه السلام انجام می‌گرفت و معرفی و اعلامش از ناحیه وکیل خاص امام بود، به شکل دیگری نیز قابل اثبات است به طوری که برخی بدین نکته با این عبارت تصریح کرده‌اند:

فَكُلُّ مَنْ طَعَنَ عَلِيَّ أَبِي الْقَاسِمِ فَقَدْ طَعَنَ عَلِيَّ أَبِي جَعْفَرٍ وَطَعَنَ عَلِيَّ الْحُجَّةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۱، ۳۵۴).

هرکس در انتصاب حسین بن روح شک کرده و با آن مخالفت نماید در حقیقت با محمد بن عثمان عمری وکیل امام و در نهایت با شخص امام مخالفت نموده است. بعد از انتصاب‌ها غالباً نامه‌ای از سوی امام به وکیل جدید صادر می‌شد. این نامه به منزله تأکیدی بر انتصاب‌ها بود و جای هرگونه شک و شبهه‌ای را از بین می‌برد. نامه‌ای که پنج روز بعد از مرگ محمد بن عثمان صادر شد، شامل دعای حضرت در حق حسین بن روح و تأکید بر ثقه بودن وی بود (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۱، ۳۵۶).

حسین بن روح در دوران حیاتش، علی بن محمد سمی را به جانشینی خود منصوب کرد. طبرسی معتقد است این انتصاب‌ها با دستور مستقیم و تصریح امام زمان علیه السلام صورت می‌گرفت و شیعیان تنها بعد از ظهور معجزه و کرامت به دست آنان به درستی ادعای آنان باور پیدا می‌کردند (طبرسی، بی تا: ج ۲، ۴۷۸).

بهترین و جامع‌ترین نص در مورد تعداد و نام وکیلان، در جهت معرفی وکیلان و پرداختن به ابعاد مختلف قابل ذکر در زندگی آنان، گزارش شیخ صدوق با استناد به روایت محمد بن ابی عبدالله کوفی است. در این گزارش تعداد دوازده نفر به عنوان وکیلان امام زمان علیه السلام نام برده شده است.<sup>۱</sup> محور این انتخاب با توجه به متن همین خبر، ارتباط و ملاقات فرد مورد نظر با امام عصر علیه السلام و آگاهی داشتن از معجزات ایشان است. گرچه همین گزارش بیانگر آن است که وکیلان دیگری نیز برای حضرت در همین زمان وجود داشته است. شهید سید محمد صدر به لیست افرادی که در گزارش شیخ صدوق آمده است، هفت نام دیگر اضافه می‌کند (صدر، ۱۴۱۲: ج ۱، ۶۲۳-۶۲۸). این هفت نفر عبارتند از: «ابراهیم بن مهزیار الاهوازی، محمد بن

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخُرَاعِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْأَسَدِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ أَنَّهُ ذَكَرَ عَدَدَ مَنْ انْتَهَى إِلَيْهِ مِمَّنْ وَقَفَ عَلَى مُعْجَزَاتِ صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام وَرَأَهُ مِنَ الْوُكَلَاءِ بِنِعْدَادِ الْعَمْرِيِّ وَابْنِهِ وَحَاجِرِ وَبِلَالِيِّ وَ الْعَطَّلَا وَ مِنَ الْكُوفَةِ الْعَاصِمِيِّ وَ مِنَ أَهْلِ الْأَهْوَاِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْرِيَّازَ وَ مِنَ أَهْلِ قُمْ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ وَ مِنَ أَهْلِ هَمْدَانَ مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحٍ وَ مِنَ أَهْلِ الرَّيِّ الْبَسَامِيُّ وَ الْأَسَدِيُّ يَغْنِي نَفْسَهُ وَ مِنَ أَهْلِ آدَزَبِجَانَ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ وَ مِنَ أَهْلِ نَيْسَابُورَ مُحَمَّدُ بْنُ شَادَانَ... (صدوق، ۱۳۰۵: ج ۲، ۴۴۲).

حفص بن عمرو، حسین بن علی بن سفیان، حسین بن روح نوبختی، ابراهیم بن محمد الهمدانی، احمد بن الیسع، ایوب بن نوح بن دراج» با وجود این در برخی پژوهش‌ها فهرست ارائه شده از وکیلان امام زمان علیه السلام بسیار بیشتر از این تعداد است (ر. ک: سازمان وکالت، ۱۳۸۲ق: ج ۲، ۴۳۰).<sup>۱</sup>

### زمینه‌سازی برای نصب وکلای جدید و چگونگی انتصاب وکیلان فرعی

بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام معتقدان به وجود فرزند امام عسکری علیه السلام نامه‌هایی مبنی بر ابقاء در پست‌های سابق‌شان دریافت کردند در حالی که کسانی که وجود فرزند امام عسکری علیه السلام را انکار کردند، نامه‌ای دریافت نکردند (جباری، ۱۳۸۲ق: ج ۱، ۷۴؛ به نقل از کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ۵۱۶-۵۱۷، ۴۵) و این به معنی برکناری آنان از مسئولیت‌های سابق‌شان بود. این نامه‌ها به منزله حکم جدید برای وکیلان بود.

ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، از فقیهان و متکلمان بغداد، از وکیلانی است که موفق به زیارت امام زمان علیه السلام شد. در منابع تاریخی سه گزارش از وی وجود دارد. گزارشی مبنی بر حضور وی در لحظات پایانی عمر امام حسن عسکری علیه السلام است که در آن به مواردی چون: بیماری امام عسکری علیه السلام و سخنان ایشان در لحظات پایانی عمر ایشان، زیارت امام مهدی علیه السلام و توصیفی از چهره وی، معرفی کامل امام مهدی علیه السلام توسط پدرشان و... اشاره شده است. گزارش دیگر بیانگر برخورد ابو سهل با منصور حلاج از مدعیان دروغین نیابت امام زمان علیه السلام و نامه‌نگاری و مناظره بین آنان است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۱-۴۰۲).

اما گزارش دیگری وجود دارد که ارتباط تنگاتنگی با موضوع مورد نظر در این نوشتار (چگونگی انتصاب سفیران و وکیلان امام) دارد. گفته شده ده وکیل سفیر دوم در دوران ایشان فعالیت‌های‌شان را زیر نظر ابن روح انجام می‌دادند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۹). عمری خود حسین بن روح را مسئول حفاظت از اموال مردم و رابط میان او و دیگر وکیلان قرار داد. این امر به نوبه خود یکی از اقدامات محمد بن عثمان عمری در جهت زمینه‌سازی برای انتصاب حسین بن روح به سفارت است. بنابه گزارش شیخ طوسی، در جریان مرگ سفیر دوم (ابوجعفر محمد بن عثمان عمری) ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، در خانه وی بود و از جانشین بعد از وی پرسید. عمری در ضمن وصیتی جانشینی حسین بن روح نوبختی را در این جلسه اعلام داشت:

۱. در این کتاب تعداد وکیلان را ۴۴ نفر دانسته است.

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی مسئولیت مرا به عهده خواهد داشت و سفیر بین شما و صاحب الامر خواهد بود، زیرا او وکیل آن حضرت بوده و امین و صادق است. از این رو در امورات خود با او مشورت کنید و در نیازهای خویش به او تکیه نمائید، زیرا به من فرمان داده شده تا آن را اعلام کنم (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۱).

دقت در محتوای این گزارش، زاویه‌ای از نقش ارتباطی سفیران در میان امام زمان علیه السلام و وکیلان را روشن می‌کند و آن چگونگی معرفی جانشین سفیران به وکیلان است. سفیران موظف بودند زمینه جانشینی بعد از خود را فراهم کنند، این زمینه‌سازی علاوه بر ابلاغ‌های رسمی که از ناحیه امام انجام می‌گرفت، گاهی شکل‌های دیگری نیز به خود می‌گرفت. فراهم نمودن زمینه‌های آشنایی با سفیر یا وکیل جدید از طریق ارجاع شیعیان به آنها، از جمله این زمینه‌سازی‌هاست. زمانی که محمد بن علی اسود، اموالی از موقوفات را نزد سفیر دوم برد، او وی را به حسین بن روح نوبختی ارجاع داده و از این که بخواهد در برابر تحویل اموال از او رسید بخواهد، نهی کرده فرمود:

«هر آنچه به ابوالقاسم تحویل شود، گویا به من تحویل شده است»؛ و لذا از آن پس محمد بن علی، اموال را بدون طلب رسید به ابن روح تحویل می‌داد (صدوق، ۱۳۵۶ش: ج ۲، ۵۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۰).

این جریان دو یا سه سال قبل از مرگ سفیر دوم رخ داده و به خوبی بیانگر تلاش محمد بن عثمان عمری در راستای آماده‌سازی اذهان وکیلان برای جانشینی حسین بن روح در آینده می‌باشد این جریان حکایت از نوعی انتصاب نیز دارد.

ابو عبدالله جعفر بن عثمان مدائنی که به «ابن قزدا» معروف بود نیز از کسانی است که عمری او را به حسین بن روح ارجاع داد. ظاهراً قبل از این وجوهات را شخصاً به سفیر دوم تحویل می‌داد اما به یکباره به او فرمان می‌دهد که اموال را از این به بعد به حسین بن روح تحویل دهد. تردید وی از این تغییر برنامه غیر معمول، قابل توجه است. گرچه سفیر به وی اطلاع داد که ابن روح را به جای خود نصب کرده اما او برای اطمینان خاطر می‌پرسد که آیا این کار به امر امام انجام شده؟ سفیر نیز پاسخ می‌دهد:

برخیز! خدای تو را به سلامت بدارد؛ و همان که گفتم انجام بده (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۷).

در این دو گزارش نکاتی قابل توجه است:

۱. انتخاب جانشین برای سفیران به دستور امام زمان علیه السلام بوده و اجرایی کردن این امر بر



عهده سفیران بوده است. به طوری که در گزارش مزبور، ابن قزدا حتی بعد از دستور عمری مبنی بر تحویل اموال به نوبختی، باز هم دچار شک و تردید بود و می پرسد آیا این امر به فرمان امام انجام شده است؟

۲. شک و تردید و احتیاطی که از ناحیه وکیلان اعمال می شد و تلاشی که آنان برای کسب اطمینان از مدیریت این گونه امور و برنامه ها به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه صورت می گرفت.

حسین بن روح در اولین بخشنامه خود محمد بن نفیس را در سمت خود ابقاء کرد. وی وکالت اهواز را در دوران سفیر دوم دست داشت (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۲). احمد بن اسحاق در دوران امام عسکری عجل الله تعالی فرجه وکیل اوقاف بود و در دوران غیبت صغری به بغداد احضار شد و از دستیاران عثمان بن سعیر عمری بود. گزارشی که در مورد ملاقات وی با حسن بن نصر قمی وجود دارد. وی وجوهات جمع آوری شده را به بغداد آورد اما در شک و تردید در مورد تحویل اموال به سر می برد. خانه ای اجاره کرد. با تعجب دید وکیلان دیگر نیز اموال خود را به آن خانه آوردند تا مقدار قابل توجهی از اموال جمع شد. در آن خانه احمد بن اسحاق را دید که نامه ای مبنی بر تحویل اموال در سامرا از امام زمان عجل الله تعالی فرجه به دستش رسیده بود. حسن بن نصر در سامرا به وسیله حضرت از وکالت احمد بن اسحاق اطمینان یافت (تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۶۷ش: ۱۴۵).

گاهی اطلاع رسانی و زمینه سازی به شکل دیگری انجام می شد، خبر دادن از فرا رسیدن مرگ وکیلان، هم چنین انتصاب وکیل جدید حتی قبل از فرا رسیدن مرگ وکیل سابق از جمله این زمینه سازی هاست. گزارش محمد بن علی الاسود، بیانگر این مسئله است. وی می گوید:

ابوجعفر عمری برای خود قبری آماده کرده بود و مشغول درست کردن آن بود و وقتی علت را جویا شدم، گفت: به من فرمان داده شده کارهای خود را سامان دهم. دو ماه بعد از این ملاقات عمری از دنیا رفت.<sup>۱</sup> حاجز از جمله وکیلانی است که تا عصر سفیر دوم مقام وکالت را در دست داشت. مدتی قبل از مرگش از سوی ناحیه مقدسه به کسانی که با او ارتباط داشتند دستور رسید از این به بعد به ابوالحسین اسدی مراجعه کنند.<sup>۲</sup>

۱. حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَسْوَدُ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ الْعَمْرِيَّ حَفَرَ لِنَفْسِهِ قَبْرًا وَسَوَّاهُ بِالسَّاحِ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ قَدْ أَمَرْتَنِي أَنْ أَجْمَعَ أَمْرِي فَمَاتَ بَعْدَ ذَلِكَ بِشَهْرَيْنِ (ابن داوود الحلّی، رجال، ۱۷۸؛ طوسی، الغیبه، ۳۶۶).

۲. محمد بن حصین کاتب از جمله کسانی است که به او فرمان داده شد از این به بعد به اسدی مراجعه نماید. بعد از چند روز خبر وفات حاجز رسید (بحار الانوار: ج ۵۱، ۳۶۳، ح ۱۰؛ العیقری الحسان، ج ۶، ۶۳۳).

قاسم بن علاء از وکلای امام در منطقه آذربایجان بود که ارتباطش با امام از طریق توقیعات مستمری بود که به واسطه سفیر دوم و سوم به دستش می‌رسید. گزارش ابوعبدالله صفوانی بیانگر وقفه‌ای است که در ارسال نامه‌های قاسم پیش آمد و موجب نگرانی وی گردید. بنا به این گزارش بعد از این وقفه‌ی دو ماهه، توقیعی به دست وی رسید و در آن خبر بیماری و سپس مرگ او بعد از چهل روز داده شد (میرلوحی، ۱۴۲۶ق: ۶۱۴-۶۱۷). بعد از مرگ وی فرزندش حسن با دستور امام به جای پدر منصوب شد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۱۴). در برخی از منابع به شرابخوار بودن فرزند قاسم اشاره است. با توجه به این مسئله چرایی انتصاب وی به جای پدر و عهده‌داری مقام مهم وکالت در آن ناحیه وسیع و از همه مهم‌تر شرط وثاقت و عدالت برای وکیلان، قابل توجه است. قبل از این انتصاب، قاسم بن علاء همیشه از این مسئله رنج برده و آرزوی هدایت فرزندش را در راس دعا‌های خود قرار داده بود. توقیع امام زمان علیه السلام بعد از مرگ قاسم بن علاء خطاب به فرزند وی بیانگر اجابت این دعاست. «بشارت باد تو را که حق تعالی دعای پدرت را در حق تو اجابت نموده تو را به طاعت خود ملهم گردانید، و به الطاف ربّانی جمیع منهیات و نامشروعات بر دل تو مکروه و ممنوع گردید» (میرلوحی، ۱۴۲۶ق: ۶۱۹). این نکته بیانگر آن است که ملاک در انتصاب‌ها وضعیت حال و کنونی افراد بوده و بعد از توبه و هدایت فرد مورد نظر، گذشته او مورد چشم‌پوشی قرار می‌گرفته است. طبیعی است که این مسئله در همه موارد کاربرد نداشته و اصل در انتصاب‌ها آن بوده که فرد مورد نظر در همه زمان‌ها فردی متقی و دارای صفات برجسته انسانی و دینی باشد. اما امام برای ترسیم خط اعتدال در همه امور در مواردی این‌گونه عمل می‌نمود. حفظ اعتدال بدان معناست که عملکرد امام به گونه‌ای بوده است که مردم تصور نکنند همواره وکیلان آن حضرت کسانی بوده‌اند که با عموم مردم تفاوت‌های چشم‌گیری داشته‌اند. ضمن آن‌که در سایه این عملکرد فرصت‌های لازم به افراد داده شود و بتوانند گذشته خود را با عهده‌داری چنین مسئولیت سنگینی جبران نمایند. امام با این انتخاب، اذهان عمومی و خصوصاً دستگاه حاکمه را از امکان شناخت وکیل خود دور می‌ساخت.

انتصاب‌ها باید مخفیانه، شخصی و غالباً به شکل دریافت نامه صورت می‌گرفت. گزارش‌ها بیانگر آن است که انتخاب و نصب وکیلان هر منطقه‌ای با صدور توقیعات از ناحیه امام به وکیلان اعلام می‌شد و سفیران با هماهنگی امام این معرفی را انجام می‌دادند. معرفی وکیلان به بزرگان و سرشناسان مناطق نیز در برخی از گزارش‌ها به چشم می‌خورد. امام از آنان می‌خواست دیگران را به سوی او راهنمایی کنند و از وکیل جدید اطاعت نمایند. این امر بدان دلیل بود که

راه هرگونه سوءاستفاده را ببندد. موارد اندکی نیز وجود دارد که بنابر مصالحی افراد عادی این معرفی را برعهده داشتند. تأیید انتصاب‌ها نیز از دیگر برنامه‌هایی است که بعد از انتصاب‌ها ادامه می‌یافت. در گزارش کلینی که بیانگر نحوه جمع‌آوری و تحویل وجوهات به وکیلان ارشد و سفیران امام است، تصویری چند از کم و کیف این انتصاب‌ها و دیگر اقدامات ارائه شده است.

محمد بن هارون همدانی از افرادی است که مبلغی بدهی به امام داشت و تصمیم گرفته بود مغازه‌های خود را در برابر این بدهی وقف امام نماید اما هویت وکیل امام برای او مشخص نبود. در این زمان محمد بن جعفر اسدی، وکیل منطقه ری نامه‌ای از امام دریافت می‌کند که در ضمن آن مأمور شده بود مغازه‌ها را از وی تحویل بگیرد (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۵۲۴؛ اربلی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۹۵۷). با توجه به این که امام این شخص را به اسدی ارجاع داده است، احتمال داده‌اند وی وکیل وقف بوده است (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۲۰).<sup>۱</sup> بنا به نقلی دیگر از کلینی، شخصی از منطقه مرو مبالغی از وجوهات جمع‌آوری شده برای تحویل به وکیل امام، حاجزین یزید، آماده و ارسال می‌کند. بعد از مدتی توقیعی صادر می‌شود که وجوهات به دست ما رسید اما از این به بعد در این زمینه با اسدی رازی در ارتباط باش. راوی از این فرمان مبهم متعجب می‌شود اما بعد از دو روز از مرگ حاجز بن وشاء باخبر می‌شود (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۱۵-۴۱۶؛ میرلوحی، ۱۴۲۶: ج ۵، ۵۹۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۸، ۱۶۷). با توجه به این که حاجز وکیل امام در مناطق شرقی بوده است. بعد از مرگ وی براساس این گزارش می‌توان جایگزینی اسدی رازی را به جای حاجز و چگونگی آن را به دست آورد.

زمانی که حسن بن عبدالحمید مبالغی از وجوهات را جمع‌آوری کرده و قصد داشت به دست ناحیه مقدسه برساند، در مورد وکالت او و تحویل اموال به حاجز دچار شک شد. در این زمان توقیعی بدین مضمون دریافت کرد که:

در مورد حقانیت ما و کسی که به جانشینی ما منصوب شده و دستورات ما را ابلاغ می‌کند شکی نیست. اموال را به حاجز تحویل بده (الحلی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۳۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۶۱)

این روایت شیخ طوسی «قد کان فی زمان السفراء المحمودین أقوام ثقات ترد علیهم

۱. این نقل بیانگر منصوب شدن اسدی به عنوان وکیل وقف در کل ایران است که این مسئولیت جدید در ضمن دستوری به وی اعلام شده بود.

التوقيعات من قبل المنصوبين للسفارة من الأصل، منهم أبو الحسين محمد بن جعفر الأسدي...» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۵) نیز ابعاد دیگری از چگونگی انتصاب‌ها و یا تأیید آن را به تصویر می‌کشد که می‌توان آن را در ضمن نکات زیر برشمرد:

- در دوران دو سفیر اول افراد ثقه‌ای مانند محمد بن جعفر اسدی بودند که توقيعاتی در مدح آنان صادر شد. این توقيعات بیانگر نوعی انتصاب یا تأییدی بر انتصاب آنان بود.

- محمد بن جعفر اسدی در تمام مدت وکالت سفیر دوم و سوم در ری به فعالیت خود ادامه داد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۵-۴۱۶؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ۷۴۹). این‌گونه موارد به نصب جدید نیاز نداشت و اگر فرمان عزل نمی‌رسید، همین بیانگر ادامه مسئولیت آنان بود. بعد از وفات اسدی ارتباط وکیلان فرعی با سفیر سوم که از طریق وی صورت می‌گرفت، تغییر کرد و به ارتباط مستقیم آنان با حسین بن روح تبدیل شد.

محمد بن احمد مروزی و جعفر بن عبدالغفار از طرف امام زمان علیه السلام به وکالت دینور منصوب شدند (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۶۹۸). قبل از ورود به دینور سفیر حضرت به او می‌گوید وقتی وارد ری شدی چنین و چنان کن. بعد از ورود به دینور و گذشت یک ماه، از طرف امام فرمان وکالت ری به او می‌رسد (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۶۹۸؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۱، ۲۹۵). این گزارش بیانگر آن است که سفیر امام همان هنگام که محمد بن احمد به وکالت دینور منصوب شده حکم وکالت ری بعد از یک ماه برایش زده شده و سفیر امام نیز از این تغییر باخبر بوده و به او اطلاع‌رسانی کرده است.

گاهی انتصاب و اطلاع‌رسانی از طریق دیگر وکیلان انجام می‌گرفت. اسحاق بن اسماعیل نیشابوری از وکیلان امام عسکری علیه السلام بود. وی نامه‌ای از امام دریافت کرد که در آن نام تعدادی از وکیلان ذکر شده بود. وی از طرف امام مأمور شده بود که نامه را برای افرادی از جمله محمد بن احمد بن حماد مروزی، وکیل جدید ری که نامش در نامه ذکر شده بود، بخواند (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۰، ۳۲۲-۳۲۳). گرچه این گزارش مربوط به دوران امام عسکری علیه السلام است اما همین روند در دوره‌های بعد نیز دنبال می‌شد.

محمد بن ابراهیم مهزیار بعد از درگذشت پدرش که از وکیلان برجسته اهواز بود، تصمیم گرفت اموالی را که نزد پدرش جمع شده بود به بغداد برده و به سفیر دوم تحویل دهد. وی براساس توقیعی که از امام زمان علیه السلام دریافت کرد، جایگزین پدرش شد. انتصاب او بعد از پدرش به مقام وکالت، در این توقیع با جمله «قد اقمناک مقام ابیک» صورت گرفت (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۳؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۶۳).

## مهم‌ترین ملاک‌ها در انتخاب وکیلان

در انتخاب وکیلان توجه به شرایط عمومی مانند وثاقت، عدالت، قرب به امام، حُسن خلق، رازداری و تقیه و... لازم بود. اما باید گفت اولویت‌بندی این ویژگی‌ها ارتباط زیادی به شرایط دوران هر امامی دارد و به نظر می‌رسد برخی ملاک‌ها در دوره خاصی برجسته تر بوده است و توجه به آنان در انتصاب‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد. مانند پنهان‌کاری و حفظ اسرار که در آن برهه از زمان با توجه به شرایط اهمیت بسیار داشته است. در عصر غیبت که همه به دنبال شناسایی آخرین امامند و هر کس به دنبال آن است به میل خود از این ارتباط و شناخت بهره‌برد، مکتوم نگه داشتن این سراز مهم‌ترین ملاک‌هاست. ملاک دیگری که نباید از آن غفلت نمود آن است که شخص خاصی نزد عموم در معرض این انتخاب نباشد. بدین معنا که دستگاه حاکمه یا دیگران احتمال وکیل شدنش را ندهند. به همین جهت در مناسبات بین امام زمان علیه السلام با وکیلان، برخی وکلاء نسبت به دیگران از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بودند. براساس گزارش ابوسهل، وی به همراه دیگر وکیلان که حسین بن روح و جعفر بن احمد بن متیل هم در میان آنان بودند، دور هم جمع شدند تا معلوم شود بعد از سفیر دوم چه کسی جانشین او باشد؟ توقع همه این بود که جعفر بن احمد متیل یا پدرش به دلیل نزدیکی به نایب دوم امام زمان علیه السلام و جایگاه بالایی که نزد او دارند، به این مقام برسند. در حالی که حسین بن روح، که کسی احتمال برگزیدنش را نمی‌داد، معرفی شد. در این گزارش از نظر دیگران نزدیکی به سفیران ملاک مهمی برای انتخاب جانشین بود. در حالی که براساس گزارشی دیگر ملاک مهم دیگری باید مدنظر قرار داده می‌شد و آن «خودداری و محافظت بر اسرار» بود. به طوری که بعد از جو عمومی حاکم بر وکیلان به طرف این دو نفر و تعجب آنان از انتصاب حسین بن روح، ابو سهل خود معترف به شایستگی حسین بن روح شد و دلیل این شایستگی را حفظ اسرار مربوط به امام مهدی علیه السلام و ارتباط حسین بن روح با حضرت مهدی علیه السلام دانست. هنگامی که از «ابوسهل نوبختی» حکمت منصوب نشدنش را پرسیدند، گفت:

... کار من مناظره با خصم و بحث و گفتگو با ایشان است؛ اگر من مکان امام غایب را چنان‌که ابوالقاسم بن روح می‌داند، می‌دانستم، شاید در هنگام احتجاج، آن را فاش می‌کردم اما حسین بن روح اگر امام را زیر عبای خود پنهان داشته باشد و او را با قیچی ریز ریز کنند، عبای خود را کنار نمی‌زند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۱).

هم‌چنین وی را با عبارت «اعقل الناس عندالمخالف و الموافق» توصیف کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۱، ۳۵۶). در این گزارش‌ها به رازداری به عنوان معیاری مهم در انتصاب‌ها تصریح

شده اما تحلیل عقلانی نیز می‌توان ارائه داد و آن این که هنگامی که توقع همه شیعیان و بزرگان این باشد که این شخص انتخاب شود، بدیهی است که دستگاه حاکمه نیز این توقع را داشته باشد و بدین‌گونه نماینده خاص امام شناخته می‌شد؛ اما در نهایت کسی که دیگران کمتر احتمال انتخابش را بدهند برگزیده شد.

با مقایسه گزارش فوق و گزارش عبدالله صفوانی بهتر به مهم‌ترین ملاک حاکم در گزینش‌ها (رازداری و حفظ اسرار) پی می‌بریم.

ابوعبدالله صفوانی در شهر آران هنگام رسیدن نامه امام به دست قاسم بن علاء (وکیل نواحی آذربایجان) حضور داشت و گزارشگر این رخداد شد. وی شاهد مناظره‌ای بود که در این جلسه میان قاسم بن علاء و همکار سنی وی پیش آمد که گویای نکات مهمی است. هنگامی که نامه امام به دست قاسم بن علاء رسید و خبر مرگ او بعد از چهل روز به او داده شد، مرد سنی با استناد به آیه «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ» هیچ کس نمی‌داند در چه زمینی می‌میرد و آیه «عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا» او عالم به غیب است و کسی را بر علم غیب خود مطلع نمی‌سازد، به تعارض نامه با قرآن اشاره داشت. قاسم با استناد به ادامه همین آیه که فرموده: «إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ» مگر رسولان پسندیده خود را که بعضی از علم غیب را در اختیار آنان قرار می‌دهد، مولایش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از همان نسل رسولان مرضی خداوند دانست که از غیب مطلع‌اند.

قاسم بن علاء، علیرغم هشدار دوستانش مبنی بر این که هر کسی ظرفیت لازم برای آگاهی از محتوای نامه امام را ندارد، به منظور هدایت مرد سنی، نامه امام را به او نشان داد. گرچه این عملکرد قاسم به هدایت مرد سنی انجامید، اما برای تشکیلات سازمان وکالت خطر بزرگی بود. حسین بن روح از افرادی بود که مدام با مخالفان در ارتباط بود و بین او و آنان بحث‌هایی انجام می‌گرفت. وی نیز می‌توانست برای هدایت گمراهان گاهی پرده از ارتباط و ملاقات امام با خود بردارد اما هیچ‌گاه چنین نکرد و از همین جاست که علیرغم تصور دیگران وی وکیل خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه شد. این ویژگی در عملکرد حسین بن روح بسیار نمایان است. گزارش‌ها بیانگر آن است که وی در عمل به تقیه و پنهان‌کاری تا آن جا رسید که غلامش را به دلیل بدگویی به معاویه اخراج کرد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۷). گفته شده به دلیل اخذ این سیاست بود که در میان افراد حکومتی و عامه مورد احترام بود. این گزارش بیانگر دو نکته مهم است. یکی وثاقت و دیگری زیرکی و قدرت تدبیر. این که در کجا چه موضعی داشته باشد اهمیت خاصی دارد و خود از ملاک‌های مهمی است که در آن برهه از زمان بسیار مورد توجه بوده است.

احمدبن اسحاق اشعری، محمدبن احمدبن جعفر قطان و حاجزبن یزید و شاء دستیاران سفیر اول بودند که به خدمت سفیر دوم درآمدند.

براساس همین ملاک‌ها بود که در میان سلسله وکیلان امام زمان علیه السلام، مراتبی لحاظ شده بود و برخی بر برخی دیگر برتری داشتند؛ به طوری که امام آنان را وکیل ارشد قرار داده تا ناظر بر کار دیگر وکیلان باشند. «ابوالحسین رازی»، «احمدبن اسحاق قمی»، «محمدبن احمدبن جعفر قطان» و «حسین بن روح» در عصر سفیر دوم از جمله وکیلان ارشد و شاخص در بین دیگر وکیلان بودند (جباری، ۱۳۸۲ ش: ج ۱، ۲۲۷).

محمد قطان از صحابه امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود. برخی احتمال داده‌اند با توجه به لقب قمی، در قم فعالیت داشته است و بعد از غیبت صغری به بغداد منتقل شده و از دستیاران سفیر اول و دوم گردیده است (همان: ج ۲، ۵۵۶) در آستانه شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغری که جامعه شیعه دچار حیرت و سرگردانی بود، احمدبن محمد دینوری برای تحویل اموالی که مردم دینور و قرمسیین به او سپرده بودند، عازم بغداد شد و به دنبال یافتن جانشین امام عسکری علیه السلام، به عثمان بن سعید عمری راهنمایی شد. عمری وی را به محمد قطان ارجاع داد و از او خواست اموال را به وی تحویل دهد (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۱، ۳۰۰). در برخی گزارش‌ها نام وی در کنار نام دو وکیل دیگر، حاجزبن یزید و احمدبن اسحاق ذکر شده است. با هم بودن این سه نام در گزارش‌ها نشان از رابطه شغلی و نزدیکی و مقام و ویژگی‌های خاص این افراد دارد. به طوری که هر سه به عنوان وکیل ارشد بر کار دیگر وکیلان جزء نظارت داشتند. برخی گزارش‌ها بیانگر جایگاه خاص محمد قطان نزد امام زمان علیه السلام است. تعبیر «لیس له ثالث فی القرب» در گزارشی که کشی نقل کرده، دلالت بر همین جایگاه دارد (علی بن محمدبن قتیبه، قال: «حدثنی أبو حامد أحمد بن ابراهیم المراغی، قال: کتب أبو جعفر محمد بن أحمد بن جعفر القمی العطار، و لیس له ثالث فی الارض فی القرب من الاصل، یصفنا لصاحب الناحیه علیه السلام...» الکشی، بی تا: ج ۲، ۸۱۵، ش ۱۰۱۹- نرم افزار تراجم) هم چنین توقیع صادره به وی، بیانگر برخی مسئولیت‌های قطان است. از جمله این که وی در مورد ابو حامد مراغی به امام نامه نوشته و واسطه دریافت توقیعات بوده و نظارت بر امور برخی مناطق را انجام می‌داده به طوری که بعد از دریافت پاسخ نامه از ابو حامد مراغی می‌خواهد که مطالب مربوط به خود را از نامه جدا کرده و بقیه رقع را به او پس دهد زیرا در آن امر و نهی‌هایی در ارتباط با منطقه کابل وجود دارد. نکته دیگری که در گزارش کشی به چشم می‌خورد، حضور دیگر افراد مورد اعتماد در هنگام دریافت یا مطالعه نامه امام و حتی نسخه برداری از آن است. به طوری که

حسن بن نصر که در آن جا حضور داشته می‌رود تا بشارت آنچه در مورد مراغی از سوی امام صادر شده را به دیگران بدهد (همان: ۸۱۵).

«حاجزبن یزید» نیز به عنوان وکیل ارشد، ناظر بر عملکرد بعضی از وکلای ایران بود، روایت راوندی، بیانگر موقعیت ویژه حاجز نزد امام زمان علیه السلام و نائب او است. محمدبن حصین به دنبال آن بود که وجوه شرعی خود را به چه کسی تحویل دهد و محمدبن یوسف او را به حاجز ارجاع داد. طبیعی است که محمدبن حصین دوست دارد وجوهاتش را به کسی تحویل دهد که نزدیک‌ترین جایگاه را به امام زمان علیه السلام و نایب او داشته باشد، لذا می‌پرسد: آیا بالاتر از حاجز نیز کسی هست؟ او در پاسخ از کلمه «شیخ» که اشاره به سفیر دوم «محمدبن عثمان عمری» است، استفاده می‌کند (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۶۹۶؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۱، ۲۹۴).

محمدبن شاذان نیشابوری می‌گوید:

مبلغ چهار صد و هشتاد درهم از وجوهات نزد جمع شده بود و کراهت داشتم از این که بخواهم پول را ناقص به دست امام برسانم. از مال خود این مبلغ را تکمیل کردم و به کسی چیزی نگفتم. بعد از مدتی محمدبن جعفر اسدی وکیل حضرت به من نوشت: پانصد درهمی که فرستادی و بیست درهم آن متعلق به خودت بود، به دست ما رسید (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۲، ۴۸۶).

براساس این گزارش و دیگر اخباری که در این زمینه وجود دارد. اخبار غیبی به واسطه امام در اختیار سفیران یا وکیلان قرار می‌گرفت. این اخبار غیبی و کرامت‌هایی که از سفیران یا وکیلان دیده می‌شد، نیز در نگاه مردم از ملاک‌های مهم انتخاب‌ها بود و وسیله‌ای برای تثبیت موقعیت نمایندگان امام در بین مردم بود. با توجه به سختی دوران غیبت صغری و فشارهایی که بر شیعیان اعمال می‌شد این اخبار غیبی و کرامت‌ها برای برطرف کردن شک و تردیدها و امید بخشی لازم بود. با این حال نکته مهم در این‌گونه موارد توجه به حفظ اسرار بود و تقیه در رأس همه معیارها قرار داشت.

### نتیجه‌گیری

یکی از برنامه‌های مهم که امامان بسیار برای برنامه‌ریزی و ساماندهی آن تلاش کردند، آماده‌سازی مردم برای دوران غیبت بود. این مهم در دوران امام جواد علیه السلام بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت. محدودیت ارتباط با امامان، ضرورت وجود سفیران و وکیلان را برای سامان‌دهی به امور و جلوگیری از تجزیه نیروهای شیعه دو چندان کرد. معرفی سفیران و وکیلان با واسطه



مستقیم امام زمان علیه السلام انجام می‌شد و بزرگان شیعه که از این مسئله آگاه بودند، مخالفتی نداشتند، تسلیم و مطیع فرد انتخاب شده بودند. امامان شیعه بر امور سازمان نظارت دقیق داشت و با توجه به نیاز مناطق، اقدام به نصب وکیل می‌کردند. حتی در برخی موارد قبل از درگذشت وکیل سابق انتصاب‌ها انجام می‌گرفت تا مشکلی در جریان امور صورت نگیرد. مدح و تمجیدهایی که از سوی امام در باره سفیران یا وکیلان صادر می‌شد، موجب تثبیت و تقویت موقعیت آنان می‌گشت و شک و تردیدها را از بین می‌برد.

امام عسکری علیه السلام سفارت عثمان بن سعید عمری را تنها به افراد خاصی اعلام کرده بود. از جمله این افراد اسحاق بن اسماعیل بود. امام از وی خواست تا برخی دیگر از وکیلان را از این موضوع مطلع سازد. هم‌چنین بر سفارت عثمان بن سعید عمری برای فرزندش مهدی علیه السلام تأکید کرد. از دیگر نکات قابل توجه در انتصاب‌ها، زمینه‌سازی‌هایی است که صورت می‌گرفت. این زمینه‌سازی‌ها گاهی در قالب توقیعی بود که برای عرض تسلیت سفیر یا وکیل سابق صادر می‌شد و در ضمن آن سفیر یا وکیل جدید نیز معرفی می‌شد. اطلاع‌رسانی به دیگر وکیلان و بزرگان آن منطقه از دیگر اقدامات امام بود. ارجاع مردم یا وکیلان فرعی به فردی که قرار است به زودی به مقام وکالت برسد، از دیگر زمینه‌سازی‌هاست. همه اینها غیر از آن مواردی بود که امام سفیر یا وکیل خود را از زمان مرگش آگاه کرده و از او می‌خواست امور خود را سامان دهد و به دنبال آن معرفی و انتصاب سفیر یا وکیل جدید انجام می‌شد. انتصاب‌ها مخفیانه و شخصی و غالباً در قالب صدور توقیع صورت می‌گرفت. با روی کار آمدن سفیر جدید تغییری در مسئولیت‌ها پیش نمی‌آمد و اگر قرار بود وکیل جابه‌جا یا عزل شود، حکم جدید را دریافت می‌کرد.

اولویت با افرادی بود که ملاک‌های عمومی برای وکالت را دارا باشند. اما این مسئله منافاتی با این نداشت که برخی ملاک‌ها در دوره خاصی برجسته‌تر و مورد نظر بیشتر قرار گیرد و در نهایت قرعه به نام کسی رقم خورد که این ملاک خاص در وجودش برجسته‌تر باشد.

مهم‌ترین ملاک قابل توجه در انتصاب سفیران و وکیلان، رازداری و حفظ اسرار و دور بودن از مظان انتصاب و وکالت بود. به طوری که دیگر ملاک‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. مقام علمی و معرفتی آنان نیز از دیگر گزینه‌های مهم در انتصاب‌ها بود. در مواردی نیز اخبار غیبی از ناحیه امام زمان علیه السلام اطلاعات و آگاهی‌های آنان را کامل می‌کرد. اطلاعات غیبی به شکل خبر دادن از مرگ وکیل، حاصل شدن وقفه در ارسال توقیعات، خبر دادن از مقدار وجوهات و فردی که آن را آورده و موارد دیگر بود.

## منابع

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۵۹ ش)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲. اربلی، علی بن علی (۱۴۲۱ ق)، *کشف‌الغمة فی معرفة الائمة* علیهم‌السلام، تهران، نشر رضی.
۳. امین، محسن (۱۴۰۳ ق)، *اعیان‌الشیعة*، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ ق)، *مدینه‌المعاجز*، قم، مؤسسه‌المعارف‌الاسلامیه.
۵. جاسم حسین (۱۳۶۷ ش)، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم* علیهم‌السلام، انتشارات امیرکبیر.
۶. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲ ش)، *سازمان وکالت و نقش آن در دوران ائمه* علیهم‌السلام، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۷. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۱۷ ق)، *تقریب‌المعارف*، تحقیق فارس تبریزیان‌الحسون، بی‌جا، ناشر‌المحقق.
۸. حلی، ابن داوود (۱۹۷۲ م)، *رجال ابن داود*، تحقیق سید محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف، منشورات مطبعة الحیدریة.
۹. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ ق)، *الخرائج والجرائح*، تحقیق مؤسسه‌الإمام‌المهدی علیه‌السلام، قم، مؤسسه‌الإمام‌المهدی علیه‌السلام.
۱۰. صدر، محمد (۱۴۱۲ ق)، *تاریخ‌الغیبة‌الصغری*، بیروت، دارالتعارف‌للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، احمد بن علی (بی‌تا)، *الاحتجاج علی‌أهل‌اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ ق)، *اعلام‌الوری باعلام‌الهدی*، قم، نشر آل‌البيت.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق)، *الغیبة*، تحقیق عبادالله طهرانی و علی‌أحمد‌ناصح، قم، مؤسسه‌المعارف‌الاسلامیه.
۱۴. کشی، محمد بن عمر (بی‌تا)، *اختیار‌معرفة‌الرجال*، محقق مهدی رجایی، مصحح محمدباقر میرداماد، بی‌جا، مؤسسه آل‌البيت.
۱۵. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، *اختیار‌معرفة‌الرجال*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.
۱۷. مامقانی، عبدالله (بی‌تا)، *تنقیح‌المقال فی علم‌الرجال*، تحقیق محی‌الدین مامقانی، قم، مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، *بحار‌الانوار*، تهران، نشر‌الاسلامیه.

۱۹. میر لوحی، سید محمد (۱۴۲۶ق)، *کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی علیہ السلام*، بی جا، دارالتفسیر.
۲۰. نعمان، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *الارشاد*، بیروت، دارالمفید، دوم.
۲۱. نهاوندی، علی اکبر (بی تا)، *العقیری الحسان*، تحقیق حسین احمدی قمی و صادق برزگر، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.